

غرور ملی و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن، مطالعه موردی: شهر اصفهان

سید علی هاشمیان فر^۱ * سید ضیاء هاشمی^۲ * مینا جلالی^۳

چکیده

در این مقاله رابطه غرور ملی با برخی عوامل اجتماعی و فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است. هدف این پژوهش توضیح مفهوم غرور ملی به معنای احساس مثبت افراد نسبت به کشورشان و مفهوم سازی آن در دو شکل ناسیونالیستی و میهن دوستانه است. در این پژوهش از روش پیمایش استفاده شده و جامعه آماری آن، شهروندان بالای ۱۵ سال ساکن در مناطق چهارده گانه شهر اصفهان است. نتایج پژوهش حاکی از این است که غرور ملی ناسیونالیستی و غرور ملی میهن دوستانه روابط مثبت یا منفی با متغیرهای مستقل تحقیق، از خود نشان داده اند و جنسیت افراد اثری در شکل دادن به گرایش های ناسیونالیستی یا میهن دوستانه آنها نداشته است.

واژگان کلیدی

غرور ملی، ناسیونالیسم، میهن دوستی، ارزش های اجتماع گرایانه و دین.

فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی • سال اول • شماره اول • زمستان ۱۳۹۰ • صص ۱۶۹-۱۴۷

۱. عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان.
۲. عضو هیئت علمی گروه جامعه شناسی، دانشگاه تهران.
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه اصفهان.

مقدمه

در مورد غرور ملی^۱ و مفاهیم مربوط به آن، از جمله هویت ملی^۲، ناسیونالیسم^۳، میهن دوستی^۴، ملت و ملیت تعریف دقیقی وجود ندارد و توافق در این زمینه اندک است. در این حوزه حساس نیز مانند تمامی مفاهیم علوم اجتماعی، تعاریف و تفاوت مفاهیم، ریشه در نظریه‌های متفاوت دارد. همان گونه که انتظار داریم دانشمندان علوم اجتماعی در مورد طبقه اجتماعی اختلاف نظر داشته باشند، جای تعجب نیست که آنها در مورد تعریف این مفاهیم نیز به توافق نرسند. همان گونه که جان هال اشاره می‌کند: «مفاهیم هم مثل رخدادهای تاریخی متنوع هستند» (مک گراون، ۱۳۸۴: ۲۳۲).

برخی نظریه پردازان، غرور ملی را همان ناسیونالیسم دانسته‌اند یا اینکه بین مفهوم میهن دوستی با ناسیونالیسم تمایزی قائل نشده‌اند. در این مقاله سعی بر آن است که ضمن مفهوم سازی غرور ملی و انواع آن (میهن دوستی و ناسیونالیسم) به درکی علمی تر از این موضوع رسیده و برخی از عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن نیز بررسی شود. شاید تعریفی که از غرور ملی ناسیونالیستی، با توجه به نظریه نظریه پردازان این حیطه می‌توان داد، به مفهوم ناسیونالیسم قومی - فرهنگی یا ناسیونالیسم کلاسیک بسیار نزدیک باشد؛ ناسیونالیستی که تفاوت‌های فرهنگی، دینی، قومی و نژادی را بر نمی‌تابد؛ ناسیونالیستی که پذیرای دیدگاه‌های انتقادی نیست و همچنین جهت گیری‌های عاطفی و غیرعقلانه دارد. در مقابل، برخی از نظریه پردازان مانند آنتونی اسمیت نیز مفهوم میهن دوستی را بسیار

-
1. National pride
 2. National identity
 3. Nationalism
 4. Patriotism

نزدیک به ناسیونالیسم مدنی یا ناسیونالیسم مدرن می‌دانند. گرچه در مورد تعریف مفهوم ناسیونالیسم قومی فرهنگی یا ناسیونالیسم مدنی نیز توافقی در بین نظریه پردازان وجود ندارد؛ اما اگر ناسیونالیسم مدنی را گفتاری ناسیونالیستی قائل به احترام به وجود تنوع، همراه با پدیده شهروندی و نظم دموکراتیک، کمتر عاطفی و بیش تر اقناعی بدانیم که به تنوعات دینی و فرهنگی احترام می‌گذارد و از همه مهم تر اینکه دیدی انتقادی دارد، در این صورت تعریف، ناسیونالیسم مدنی می‌تواند با میهن دوستی همپوشی داشته باشد.

به طور کلی برای بررسی غرور ملی سه سطح را می‌توان در نظر گرفت:

۱. غرور ملی خاص مملکتی در سیستم اجتماعی، سیاسی و اقتصادی (مثل غرور نسبت به دموکراسی، دستاوردهای اقتصادی، امنیت اجتماعی، نیروهای نظامی و رفتار عادلانه با گروه‌های مختلف اجتماعی).

۲. غرور ملی خاص مملکتی در دستاوردهای فرهنگی و علمی (مانند دستاوردهای علمی، ورزشی، ادبی، هنری و تاریخی).

۳. غرور ملی کلی (گسترش وفاداری ملی یا احساس برتری ملی) (Chang and Choe, 2008: 105).

غرور ملی به واسطه شرایط بی‌همتای اجتماعی و تاریخی منحصر به فرد هر کشور و بر مبنای دستاوردهای علمی، اقتصادی، سیاسی، ورزشی، هنری، ادبی، نظامی، برابری فرصت‌ها، سیستم اجتماعی توزیع مجدد و... شکل می‌گیرد و بر دیدگاه‌های مردم نسبت به موضوعات و مسائل جاری کشورشان و جهت‌گیری آنها نسبت به مسائل آتی اجتماعی اثرگذار است. لازم به ذکر است که این احساس نسبی است؛ ممکن است دستاورد و یا رخداد اتفاقی در کشور در فردی ایجاد غرور کند و همان دستاورد یا اتفاق، در فرد دیگری احساس شرم به دنبال داشته باشد. البته این امر مسلماً به تفاوت در ویژگی‌های شخصی و اجتماعی افراد در جامعه و جهت‌گیری‌های متفاوت آنها نسبت به امور مختلف مربوط می‌شود.

در طول تاریخ، دولت‌های ملی همواره تلاش کرده‌اند غرور ملی را در میان ملت خود افزایش دهند. این امر به‌ویژه در سده بیستم و در اوج رشد گرایش‌های ناسیونالیستی افزایش چشمگیری داشت؛ به شکلی که در میان تمام دولت‌های کوچک و بزرگ جهان، تلاش برای ایجاد تاریخی حماسی و ایجاد غرور ملی، حتی تا حد ملت‌سازی نیز پیش

رفت. پس از پایان جنگ جهانی دوم و با عزم جهانی برای جلوگیری از فجایع حاصل از این جنگ، جنبش‌های افراطی ناسیونالیستی، جای خود را در ظاهر به دولت‌های صلح طلب ملی داد. اما با این تغییر رویه نیز، تلاش برای حفظ و تقویت غرور ملی کاهش نیافت، بلکه در شکلی دیگر نمود یافت و منجر به شکل‌گیری گرایش‌های میهن‌دوستانه شد. دیگر تنها نیروی نظامی صرف و یا افتخارات تاریخی وسیله‌ای برای تفرخ ملت‌ها نبود، بلکه معیارهای جدیدی مثل دستاوردهای فناوری، پیشرفت‌های اقتصادی و رفاهی، میزان تأثیرگذاری بین‌المللی، غرور به وجود دموکراسی در کشور، غرور به همزیستی مسالمت‌آمیز فرهنگ‌های مختلف در کشور و... در مرکز توجه قرار گرفت. در این بین شهروندان دیگر، افرادی منفعل که دستمایه جنبش‌های ناسیونالیستی شوند، نیستند؛ بلکه شهروندانی فعال و منتقدند که ضمن عشق به کشور خود، در پی کشف نقاط ضعف آن و رفع نقایص پیش روی مملکت خود هستند. بنابراین از این زمان به بعد و با رشد دموکراسی و گسترش حقوق شهروندی در بین جوامع، دیگر نمی‌توان غرور ملی را تنها مفهومی با پتانسیل ناسیونالیستی در نظر گرفت، بلکه ظرفیت دیگر آن که همان میهن‌دوستی است را نیز باید مد نظر قرار داد.

۱. غرور ملی

از نظر اسمیت و جارکو، همه جهان امروزه در دولت ملت‌ها سازمان یافته‌اند. در این میان هویت ملی، نیرویی است که دولت و ملت را به هم پیوند می‌دهد و روابط بین افراد و سایر ملت‌ها را تعیین می‌کند. غرور ملی برخاسته از هویت ملی و احساسی مثبت است که در بین مردم برانگیخته می‌شود و در حیطه شخصیت افراد یک جامعه نمایان می‌شود. بنابراین هویت ملی در دو سطح، ایجاد غرور می‌کند: نخست، غرور یا احساس اعتبار و ارزشی است که یک فرد برای ملتش قائل می‌شود و دوم، اثرگذاری این غرور در حیطه شخصیت افراد است که در آنها عزت نفس ایجاد می‌کند. غرور ملی می‌تواند با میهن‌دوستی به معنای عشق یک فرد به کشور و وفاداری او نسبت به سرزمینش، همزیستی داشته باشد. همچنین می‌تواند زمینه لازم را برای گسترش ناسیونالیسم به معنای از خود گذشتگی ملی شدید که یک فرد نسبت به کشورش دارد فراهم کند (Smith, 2006: 127)

گرچه فقدان احساس غرور نسبت به مملکت، عاملی در ایجاد یأس و خودباختگی ملی در بین مردم یک جامعه است و باعث بی‌انگیزگی احزاب سیاسی و عدم مشارکت

فعال مردم و در پیشگیری سیاست‌های خارجی منفعلانه می‌شود؛ اما عمومیت یافتن غرور ملی کاذب نیز در بین افراد یک جامعه می‌تواند به گسترش ناسیونالیسم و گرایش‌های شوونیستی و بروز تمایلات جنگ طلبانه منجر شود. می‌توان این گونه نتیجه‌گیری کرد که غرور ملی مفهومی است با دو ظرفیت متفاوت: غرور ملی منفی یا همان ناسیونالیسم که می‌تواند در ضمن ایجاد انسجام و مشارکت منفعلانه در بین اعضای یک ملت، عاملی در جهت توسعه سیاست خارجی تجاوزکارانه، نپذیرفتن ضعف‌ها و نارسایی‌های کشور و خصومت با سایر ملت‌ها شود (Brubaker, 2004: 121) و غرور ملی مثبت یا همان میهن‌دوستی که منجر به التزام به تعهدات شهروندی و توسعه سیاست‌های باز توزیعی در سطح جامعه می‌شود، به وجود آورنده انسجام بین اقلیت‌های قومی و فرهنگی است، به گسترش مشارکت مدنی کمک می‌کند و نیاز جوامع امروز را به شهروندانی فعال و متعهد فراهم می‌کند. در رویکرد میهن‌دوستانه غرور ملی فرد هم نسبت به مملکت خود احساس غرور می‌کند، هم برای دیگر ملت‌ها احترام قائل است و هم اجازه نمی‌دهد که غرور بی‌جا نسبت به مملکتش مانع از آن شود که ضعف‌ها و نارسایی‌های موجود در جامعه را ببیند. چنین احساس میهن‌دوستانه‌ای تعهد نسبت به ملت و مشارکت فعال افراد میهن‌دوست در امور جامعه را در پی دارد (Schatz & Staub, 1999).

همان‌گونه که توضیح داده شد، غرور ملی می‌تواند در قالب ناسیونالیسم متجلی شود یا در قالبی میهن‌دوستانه. به منظور مشخص ساختن تمایز مفهومی آنها به اختصار به تفاوت‌های این دو مفهوم اشاره می‌کنیم. ناسیونالیسم در پی آرمانی ساختن ملت است، به عبارت دیگر سعی در ارائه یک ارزیابی مثبت تعمیم یافته از ملت دارد. احساسی است و گرایش به احساس برتری ملی دارد. برداشتی که از ملت، دولت و قدرتمندان سیاسی ارائه می‌کند، غیرانتقادی است. در پی ایجاد وابستگی بیش از حد افراد به ملت است. با دیدگاه‌های منتقد به ملت شدیداً برخورد می‌کند. بر معیارهایی چون اصل و نسب، نژاد و وابستگی فرهنگی به عنوان معیارهایی در جهت تشخیص افراد خودی از غیر خودی تأکید دارد و گروه‌هایی که با توجه به این معیارها جزئی از گروه خودی برآورد نمی‌شوند سخیف و حقیر قلمداد می‌شوند. در مقابل، میهن‌دوستی در پی آرمانی ساختن ملت نیست؛ علاقه‌ای عقلانی به ملت دارد و بر اساس وجدان انتقادی عملکرد کشور را ارزیابی می‌کند. هنگامی که اهداف ملت در راستای ارزش‌های انسانی است، به‌طور جدی از آن حمایت

می‌کند. در پی بازسازی روابط و تاریخ گروه‌ها است تا به واسطه آن دیدگاه‌ها و نظریات متفاوت اجازه ابراز شدن پیدا کنند. برداشت‌های غیر انتقادی از اقتدارطلبی ملی محکوم می‌شود و در مقابل از قدرت دولت بر پایه اصول دموکراتیک حمایت می‌شود. وابستگی بیش از حد افراد به ملت تأیید نمی‌شود و به ظهور احساسات متفاوت نسبت به مملکت احترام می‌گذارد (Blank & Schmit, 2003: 292-3).

۲. چهارچوب نظری

نظریه پردازان مختلف جهت‌گیری‌های متفاوتی نسبت به این حیطة اتخاذ کرده‌اند. برخی نظریه‌ها، مانند نظریه هویت اجتماعی بر این دیدگاه متکی است که احساسات مثبت درون‌گروهی تنها همراه با شکل‌گیری احساس برتری و رجحان نسبت به برون‌گروه‌ها معنا پیدا می‌کند، بنابراین نمی‌توان از احساسات میهن‌دوستانه که مدعی وفاداری درون‌گروهی بدون وجود خصومت برون‌گروهی است، حرفی به میان آورد. همان‌طور که بیلینگ مدعی است، برای توصیف احساسات ملی افراد نمی‌توان از میهن‌دوستی در مقابل ناسیونالیسم صحبت کرد و واقعیت امر این است که همه افراد جامعه، چه نخبگان و افراد تحصیل‌کرده و چه افراد عادی، همه درگفتمانی ناسیونالیستی درگیر هستند.

با رشد تئوری هویت اجتماعی (تاجفل ۱۹۸۱، تاجفل و ترنر ۱۹۸۶) فرض تقابل منفی بین دیدگاه‌های درون‌گروه و برون‌گروه در سطح روان‌شناسی اجتماعی حفظ شد. تاجفل گروه‌هایی که مردم به آن تعلق خاطر دارند را منبع مهم غرور و عزت نفس می‌داند که به افراد هویت و احساس تعلق می‌دهند. او معتقد است: هویت اجتماعی منجر به جانبداری از درون‌گروه می‌شود و ارزیابی افراد از گروه خودی همیشه به گونه‌ای مثبت است و در هنگام مقایسه بین گروه خودی و گروه‌های دیگر، ابعادی را برای مقایسه برمی‌گزینند که باعث شود نتایج مقایسه در پایان به نفع گروهی که به آن تعلق دارند رقم بخورد. این مقایسه مطلوب به نفع گروه خودی باعث بالا بردن عزت نفس و وفاداری افراد به گروه می‌شود. تاجفل مدعی است که تنها تقسیم افراد به گروه‌ها، بدون اجازه دادن به آنها برای اینکه بین گروه خودی و دیگری تبعیض قائل شوند، منجر به پایین آمدن عزت نفس آنها می‌شود. فرایند تبعیض‌گذاری به این دلیل اهمیت دارد که زمینه را برای اینکه یک فرد چرا خود را به یک گروه متعلق بداند و از آن احساس خوشایندی داشته باشد، فراهم می‌کند (Druckman, 1994: 48-9). تئوری هویت اجتماعی نشان می‌دهد که چرا برخی مردم

ارزش‌هایی اجتماعی گرایانه از خود نشان می‌دهند و چرا در برخی دیگر چنین ارزش‌هایی شکل نمی‌گیرد. ارزش‌های اجتماعی گرایانه در تضاد با پرخاشگری نسبت به سایر افراد و گروه‌ها در جامعه است و نشان‌دهنده نوع دوستی و شکل‌گیری فرایند جبران در بین گروه‌ها است. این ارزش‌ها فرد را قادر می‌سازد تا از علائق شخصی خود و گروه خودی چشم‌پوشی نماید تا دیگران در آسایش باشند. هنگامی که افراد، تنها خود را با یک گروه هویت‌یابی می‌کنند و دیدی متعصب نسبت به گروه خودی اتخاذ می‌کنند، به احتمال زیاد رفتارهایی را از خود بروز می‌دهند که تنها توسط هنجارها و ارزش‌های گروه هدایت می‌شوند؛ در چنین موقعیتی شاهد شکل‌گیری ارزش‌های اجتماعی گرایانه بین افراد یک گروه با سایر گروه‌ها نخواهیم بود و این زمینه را برای ایجاد خصومت بین گروهی فراهم می‌کند (Sproull et al., 2002: 149).

در مقابل این دیدگاه، که بنا بر تعاریف ارائه شده از ناسیونالیسم معتقد است: احساسات ملی تنها در قالب گرایش‌های ناسیونالیسم تجلی‌گراست، بیشتر نظریه‌های مربوط به حوزه مدنی معتقدند: آنچه جوامع امروزه به آن احتیاج دارند شکل‌گیری احساسات میهن‌دوستانه به‌عنوان جایگزینی معقول برای گرایش‌های ناسیونالیستی است. املی مومندی^۱ ضمن انتقاد به نظریه هویت اجتماعی، معتقد است که تفاوت بین ناسیونالیسم و میهن‌دوستی ناشی از قضاوت‌ها بر پایه انواع مختلف مقایسه‌هاست. از نظر او نمی‌توان احساسات درون گروهی را تنها از زاویه دید نظریه هویت اجتماعی بررسی کرد. از نظر او آنچه نظریه هویت اجتماعی بر آن تأکید دارد، مقایسه‌های بین گروهی است؛ مقایسه‌هایی که منجر به گرایش‌های ناسیونالیستی می‌شود. در حالی که مقایسه‌های موقتی یا استاندارد منجر به گسترش تمایلات میهن‌دوستانه می‌شود؛ مقایسه‌های موقتی یا استاندارد نوعی ارزیابی است که یک کشور، خود را تنها با آنچه در گذشته بوده یا آنچه در آینده باید به آن برسد، محک می‌زند. این گونه مقایسه‌ها، مقایسه‌های خودارجاعی^۲ است که برای کاهش دادن پیشداوری‌ها و افزایش روابط مسالمت‌آمیز بین گروه‌ها پیشنهاد می‌شود و با رفتار مبتنی بر میهن‌دوستی منطبق است. میهن‌دوستی باعث ایجاد اعتدال در احساسات غرور ملی می‌شود و پیش شرط ثبات برای یک جامعه دموکراتیک است (Mummendy et al., 2001: 159-161).

-
1. Amelie Mummendy
 2. Self-referential

تام دبلیو اسمیت^۱، نیز از آن دسته نظریه پردازانی است که با رویکردی دو وجهی به غرور ملی نگاه می‌کند. از نظر او، غرور ملی با احساسات مربوط به میهن‌دوستی و ناسیونالیسم مربوط است. اسمیت برای غرور ملی دو وجه قائل می‌شود: ۱. غرور عمومی^۲ یا غرور ملی عام و ۲. غرور ملی به قلمرو خصوصی^۳ یا غرور ملی در دستاوردهای ویژه. بعد عمومی غرور ملی بیشتر با ارجحیت قائل شدن برای برتری ملی و گرایش‌های ناسیونالیستی مرتبط است. اگرچه نمی‌توان منکر وضعیت‌های عینی در شکل دادن به غرور ملی شد، اما غرور ملی عمومی بیشتر نتیجه قضاوت‌های ذهنی شهروندان درباره تاریخ کشورشان، اشتیاق به ملت، نقش کنونی کشورشان در جهان و میزان اثرگذاری آن در صحنه بین‌المللی و انتظاراتشان نسبت به آینده است (Smith & Kim, 2006: 131). غرور ملی به قلمرو خصوصی اگرچه احساسات مثبت به یک کشور را نشان می‌دهد، اما ناسیونالیستی، امپریالیستی و شوونیستی^۴ (میهن‌دوستی تعصب‌آمیز) نیست. این بعد از غرور ملی با دیدگاه‌های مربوط به شهروندی و تابعیت یک کشور مرتبط است (Smith & Jarkko, 1998: 1).

اسمیت با استفاده از داده‌های ISSP^۵ به این نتیجه رسید که در کشورهای مورد مطالعه او، مردان بیشتر از زنان غرور ملی دارند. گرایش‌های ناسیونالیستی در طول نسل‌ها کاهش یافته است و جوان‌ترها غرور ملی ناسیونالیستی کمتری نسبت به مسن‌ترها دارند که این امر می‌تواند ناشی از رشد جهانی شدن و تلاش برای ایجاد یکپارچگی سیاسی در بین ملت‌های اروپایی باشد. همچنین افراد با تحصیلات پایین‌تر از دیرستان غرور ناسیونالیستی بیشتری دارند، چون بیشتر به مقایسه‌های محلی می‌پردازند، در حالی که افراد با تحصیلات دانشگاهی غرور ملی کمتری دارند و این امر می‌تواند به دلیل غلبه گرایش‌های جهانی و وطنی آنها و درگیر شدن و جذب در مشاغل باشد که مربوط به سازمان‌های بین‌المللی است. همچنین افرادی که در خانواده‌های پردرآمد زندگی می‌کنند غرور ملی پایین‌تری از خود نشان می‌دهند و این نیز می‌تواند ناشی از رشد ارزش‌های فرامادی در بین آنها باشد (Ibid).

-
1. Tom W Smith
 2. General national pride
 3. Damain-specific national pride
 4. Chauvinistic
 5. International social survey program

رابرت تی شاتز^۱ و اروین استاب^۲ نیز از جمله نظریه پردازانی هستند که ضمن انجام تحقیقات وسیع در زمینه دل‌بستگی ملی برای توضیح این مفهوم از دو نوع میهن دوستی (کور کورانه^۳ و استنباطی^۴) یاد کرده‌اند.

شاتز و استاب میهن دوستی کور کورانه و استنباطی را از نظر مفهومی کاملاً متمایز می‌نمایند. از نظر آنها میهن دوستی کور کورانه جهت‌گیری محافظه کارانه و غیر انتقادی نسبت به میهن را در پیش می‌گیرد و نشان‌دهنده بی میلی افراد یک جامعه از انتقاد نسبت به کشور خودی است و به گرایش‌های ناسیونالیستی و قوم مدارانه بسیار شبیه است (Huddy & Khatib, 2007: 64). در میهن دوستی کور کورانه به مانند گرایش‌های ناسیونالیستی، افراد با در نظر گرفتن روابط بین گروهی، همیشه سعی در ارائه تعریفی مثبت از کشورشان دارند، آن را برتر از سایر کشورها ارزیابی کرده و ارزیابی مثبتی از سایر گروه‌ها ندارند. این گونه احساسات می‌تواند زمینه را برای توجیه سلطه‌گری ملی یک کشور بر کشورهای دیگر فراهم آورد. میهن دوستی کور کورانه عاملی برای هراس‌های همیشگی از تهدیدات خارجی است و نگرانی دائمی در مورد از بین رفتن امنیت ملی و فرهنگ ملی به دست بیگانگان را به دنبال دارد. این احساس زمینه را برای اغراق در مورد تهدیدات خارجی و آسیب‌پذیری ملی فراهم می‌کند و متعاقب آن نگرانی از ناخالصی و عدم یکرنگی فرهنگی را به دنبال دارد (Schatz & Staub, 1999: 154-5). میهن دوستی کور کورانه، سرسخت و متعصب و سنت‌گراست. ارزیابی غیر واقع‌گرایانه‌ای که این نوع میهن دوستی از گروه خودی ارائه می‌کند گاه به خودشیفتگی گروهی منجر شده و باعث عدم صبر و بردباری در مقابل سایر ملت‌ها و حتی گرایش‌های کینه‌توزانه و دشمنی با آنها می‌شود (Schatz, 1994: 21).

در مقابل، میهن دوستی استنباطی، نوعی دل‌بستگی به میهن به همراه گسترش فرهنگ انتقاد و پرسشگری از عملکردهای گروه حاکم است که تمایل برای ایجاد تغییرات مثبت در کشور را به همراه دارد. افراد میهن دوست به ارزش‌هایی که به نفع اجتماع و سایر افراد از گروه‌های مختلف است، معتقدند. آنها برای ظرفیت‌های مثبت یا منفی موجود در کشورشان ارزشی برابر قائل هستند؛ به این معنا که نقاط قوت کشور را عاملی در بالا

1. Robert T. Schatz
2. Ervin Staub
3. Blind patriotism
4. Constructive patriotism
5. National vulnerability

بردن غرور ملی خود ارزیابی می‌کنند، اما از شناسایی نقاط ضعف مملکت چشم پوشی نمی‌کنند و سعی در شناسایی و رفع آنها دارند. این روحیه، دیدی انتقادی به میهن دوستان استنباطی می‌دهد و باعث می‌شود این افراد به سمت گرایش‌های ناسیونالیستی کشیده نشوند (Schatz & Staub, op.cit.: 164).

آنها ضمن بررسی رابطه برخی متغیرها، از جمله دین و ارزش‌های اجتماع گرایانه با این دو مفهوم نشان داده‌اند: از آنجایی که ناسیونالیسم و میهن‌دوستی دو جهت‌گیری کاملاً متفاوت نسبت به احساسات ملی دارند، متغیرهای تأثیرگذار بر آنها نیز ارتباطات متفاوتی را نشان می‌دهند. برای مثال از آنجایی که ارزش‌های اجتماع گرایانه انعکاس‌دهنده همدلی و ارزیابی مثبت با سایر افراد (حتی افرادی که به درون گروه شباهتی ندارند) است، ارتباطی مثبت با میهن‌دوستی استنباطی و ارتباط منفی با میهن‌دوستی کورکورانه از خود نشان می‌دهد. استاب معتقد است: از آنجایی که حیطة دین و میهن‌دوستی کارکردهای روان‌شناختی مشابه دارند، در مطالعه گرایش‌های میهن‌دوستانه، باید ارتباط بین میهن‌دوستی و دین مورد بررسی قرار گیرد. برای مثال، هر دوی این احساسات نتیجه هویت‌یابی و فرایندهای درونی‌سازی است که به کاهش احساس ناامنی و احساس تنهایی کمک می‌کند (Schatz, op.cit.: 50). استاب با الهام از نظریه جهت‌گیری دینی باتسون، بین جهت‌گیری دینی نقادانه^۱ و میهن‌دوستی ارتباط برقرار می‌نماید و در کار خود نشان می‌دهد که این نوع از جهت‌گیری دینی همبستگی مثبت با میهن‌دوستی استنباطی دارد و در مقابل همبستگی منفی با میهن‌دوستی کورکورانه از خود نشان می‌دهد. دین نقادانه به کاهش تبعیض و پیشداوری منجر می‌شود. این نوع گرایش دینی، فرد را در یک گفت‌وگوی باز و واکنشی درگیر می‌کند. در این نوع از دین، تنفر از گناه وجود دارد اما به گناهکار احترام گذاشته می‌شود و سعی بر این است به او کمک شود. دین نقادانه به سؤالات مربوط به هستی که به وسیله تناقضات و تراژدی زندگی شکل می‌گیرد، علاقه‌مند است و دائماً با سؤالات مربوط به ساختار اجتماعی و ساختار زندگی دست و پنجه نرم می‌کند. از نظر باتسون، این نوع گرایش دینی شکلی از بلوغ دینی است و بردباری نسبت به تفاوت‌های مذهبی، بردباری نسبت به عقاید و سبک‌های زندگی متفاوت و عدم جزم‌اندیشی را به همراه می‌آورد (Show & Joseph, 2004: 1425-6). اینگلهارت نیز معتقد است: ناسیونالیسم

1. Quest religion

مستقیماً با اهمیت سازگاری و همراهی مردم با دین سنت‌گرا ارتباط دارد، در نظام ارزشی سنتی بر ارزش‌های سنتی خانواده مثل ازدواج و نقش‌های جنسیتی و ارزش‌های دینی تأکید می‌شود و هدف اصلی این نظام ادامه زندگی و بقا تحت شرایط نظام اقتصاد دولتی با ثبات است که بر پذیرش نظم اجتماعی و اقتصادی و هم‌نوایی فرد با هنجارهای جامعه تأکید می‌شود و این هنجارها در قالب چهارچوب دینی سنتی تدوین و مشروع می‌شود (Moaddel et al, 2008: 680).

۳. فرضیات پژوهش

- بین ارزش‌های اجتماع‌گرایانه و غرور ملی رابطه وجود دارد.
- بین دینداری سنت‌گرا و غرور ملی رابطه وجود دارد.
- بین دینداری نقادانه و غرور ملی رابطه وجود دارد.
- بین طبقه اقتصادی و غرور ملی رابطه وجود دارد.
- بین متغیرهای زمینه‌ای و غرور ملی رابطه وجود دارد.
از آنجایی که متغیر وابسته پژوهش دو شق دارد (میهن‌دوستی و ناسیونالیسم) در ادامه، رابطه بین متغیرهای مستقل با غرور ملی ناسیونالیستی و میهن‌دوستانه به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است.

۴. روش تحقیق و جمع‌آوری داده‌ها

پژوهش حاضر، از نظر کنترل شرایط پژوهشی، یک تحقیق پیمایشی است و از نظر هدف، کاربردی است. در این تحقیق واحد اصلی تجزیه و تحلیل، فرد منتخب در نمونه آماری است. نمونه‌گیری با استفاده از روش سهمیه‌ای انجام گرفته است؛ سطح تحلیل کلان است و برای جمع‌آوری اطلاعات به افراد مراجعه شده است. در این تحقیق جامعه آماری شامل شهروندان بالای ۱۵ سال ساکن اصفهان است که بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵ تعداد آنها ۱۲۴۸۷۵۴ نفر است. برای تعیین حجم نمونه، از فرمول کوکران استفاده شده است که بر اساس آن حجم نمونه ۳۸۴ نفر برآورد شد.

۴-۱. روایی و پایایی تحقیق

مناسب‌ترین روش، برای سنجش قابلیت اعتماد طیف لیکرت، ضریب آلفای کرونباخ

است. این روش برای محاسبه هماهنگی درونی ابزار اندازه‌گیری از جمله پرسشنامه‌ها یا آزمون‌هایی که خصیصه‌های مختلفی را اندازه‌گیری می‌کند، به کار می‌رود. برای این منظور بعد از اطمینان از اعتبار صوری پرسشنامه اولیه تحقیق، با ۴۰ نمونه پیش‌آزمون نموده و نتایج آن در پرسشنامه نهایی اعمال شد. در این تحقیق نیز از ضریب آلفای کرونباخ غرور ملی ناسیونالیستی ۰/۸۶۷ و غرور ملی میهن‌دوستانه ۰/۷۳۱ برآورد شده است.

۲-۴. متغیرهای مستقل

منظور از عوامل اجتماعی - فرهنگی، عناصری هستند که ناشی از زندگی اجتماعی بشر و یا واحدهای اساسی یک فرهنگ محسوب می‌شوند به لحاظ عملیاتی عوامل اجتماعی - فرهنگی در این پژوهش عواملی نظیر طبقه اقتصادی، گرایش دینداری، ارزش‌های اجتماع‌گرایانه و متغیرهای زمینه‌ای مثل سن، جنس، تحصیلات فرد در نظر گرفته شده‌اند.

منظور از دینداری در این پژوهش مطالعه دو نوع از گرایش دینی سنت‌گرا و نقادانه با الهام از نظریات شاتز و استاب و اینگلهارت و بررسی رابطه آنها با غرور ملی است. منظور از گرایش دینی سنت‌گرا، نوعی دینداری است که با معیارهایی چون مطلق‌انگاری ارزشی، نخبه‌گرایی، حصر فرهنگی و نظارت اخلاقی بر جامعه مشخص شده است (صفوی همایی، ۱۳۷۸: ۶۵). از طرف دیگر، برای دینداری نقادانه نیز می‌توان سه بعد قائل شد:

۱. پیچیدگی: طرح سؤالات وجودی بدون کاهش پیچیدگی آن سؤالات.
۲. شکاکیت: توجه به شک به عنوان پدیده‌ای مثبت و توجه به سؤالاتی که مربوط به تردیدها و عدم قطعیت در دینداری می‌شود.

۳. موقتی بودن: یا آزادی تغییر در عقاید دینداری (Ibid).

متغیر مستقل دیگر ارزش‌های اجتماع‌گرایانه، با الهام از نظریات تاجفل، مومندی، شاتز و استاب است. جهت‌گیری اجتماع‌گرایانه از جانب افرادی دیده می‌شود که در مورد رفاه سایرین احساس مسئولیت کنند، نسبت به دیگر افراد درون جامعه دیدی مثبت داشته باشند و با آنها همدلی کرده و پذیرش اجتماعی بالایی داشته باشند (Schatz & Staub, 1994: 22).

-
1. Socio-cultural factors
 2. Complexity
 3. Doubt
 4. Tentativeness

بر اساس نظریه اسمیت به بررسی رابطه متغیرهای پیشینه‌ای و طبقه اقتصادی و تأثیر آنها بر غرور ملی پرداخته ایم. لازم به ذکر است که در این پژوهش مراد از طبقه اقتصادی، تفاوت اقتصادی میان گروه بندی‌های افراد (نابرابری در تملک و کنترل منابع مادی) در نظر گرفته شده است (گیدنز، ۱۳۸۴: ۲۴۱).

۳-۴. متغیر وابسته

غرور ملی احساس مثبتی است که افراد در نتیجه ارزیابی از هویت ملی خود تجربه می‌کنند و می‌تواند در دو شکل میهن‌دوستانه و ناسیونالیستی ظاهر شود (Smilt & Kim, 2006: 127). منظور از غرور ملی ناسیونالیستی، نوعی آگاهی به عضویت در ملت یا وابستگی به ملت است که غالباً پدید آورنده وفاداری و شور و علاقه افراد به عناصر متشکله ملت (نژاد، زبان، سنت و عادت، ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی و به‌طور کلی فرهنگ) و گاهی تجلیل فوق‌العاده از آنها و اعتقاد به برتری این مظاهر به مظاهر ملی دیگر ملت‌هاست (آشوری، ۱۳۸۴: ۳۲۰). منظور از غرور ملی میهن‌دوستانه نیز احساس هویت‌یابی همراه با دلبستگی عاطفی به کشور خودی و در مقابل نداشتن دیدی خصمانه نسبت به سایر کشورهاست. غرور ملی میهن‌دوستانه ضعف‌ها و نارسایی‌های کشور را انکار نمی‌کند و در جهت رفع آنها تلاش می‌کند. میهن‌دوستی دلبستگی به ملت، نهادهای آن و دستاوردهای آن است که اغلب از اعتقادات و ارزش‌های مربوط به سیستم اجتماعی یک کشور شکل می‌گیرد (De Figueiredo & Elkins, 2002: 14).

۵. یافته‌های تحقیق پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۵-۱. توصیف داده‌ها

با توجه به جدول (۱) مشاهده می‌شود که در حجم نمونه مورد بررسی ۵۶/۲ درصد پاسخگویان زن و ۴۳/۸ درصد پاسخگویان مرد بوده‌اند. بیشتر پاسخگویان (۶۷/۳ درصد)، تحصیلات دانشگاهی دارند و کمترین فراوانی (۷/۶ درصد) را افراد تحصیلاتی پایین‌تر از دیپلم دارند.

جدول ۱. وضعیت نمونه مورد مطالعه از نظر جنسیت و تحصیلات

جنس	فراوانی	درصد فراوانی	تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی
مرد	۱۶۸	۴۳/۸	زیر دیپلم	۲۹	۷/۶
زن	۲۱۶	۵۶/۲	دیپلم	۹۷	۲۵/۳
جمع	۳۸۴	۱۰۰	تحصیلات دانشگاهی	۲۵۸	۶۷/۳

بعد از جمع آوری نمرات پاسخگویان به متغیرهای مستقل، نمرات آنها در سه رتبه پایین، متوسط و بالا رتبه بندی شد. همان طور که در جدول (۲) مشاهده می شود، ۳۷/۷ درصد پاسخگویان جزء طبقه پایین هستند، ۴۸ درصد پاسخگویان جزء طبقه متوسط و ۱۴/۳ درصد پاسخگویان جزء طبقه بالا هستند. ۵/۷۲ درصد پاسخگویان ارزش های اجتماع گرایانه پایین دارند، ۴۹/۲۱ درصد پاسخگویان ارزش های اجتماع گرایانه متوسط و ۴۵ درصد پاسخگویان ارزش های اجتماع گرایانه بالایی دارند. ۳۶/۵ درصد پاسخگویان دینداری سنت گرای پایینی دارند، ۴۹ درصد پاسخگویان دینداری سنت گرای متوسط و ۱۴/۶ درصد پاسخگویان دینداری سنت گرای بالا دارند. همچنین حدود ۱۹ درصد پاسخگویان دینداری نقادانه پایین دارند، ۶۵/۹ درصد پاسخگویان دینداری نقادانه متوسط و ۱۵/۱ درصد پاسخگویان دینداری نقادانه بالا دارند.

جدول ۲. توزیع فراوانی طبقه اقتصادی، ارزش های اجتماع گرایانه، دینداری نقادانه و سنت گرای نمونه مورد مطالعه

طبقه اقتصادی	فراوانی	درصد فراوانی	ارزش های اجتماع گرایانه	فراوانی	درصد فراوانی
پایین	۱۴۵	۳۷/۷	پایین	۲۲	۵/۷۲
متوسط	۱۸۴	۴۸	متوسط	۱۸۹	۴۹/۲۱
بالا	۵۵	۱۴/۳	بالا	۱۷۳	۴۵/۰۵
جمع	۳۸۴	۱۰۰	جمع	۳۸۴	۱۰۰
دینداری سنت گرا	فراوانی	درصد فراوانی	دینداری نقادانه	فراوانی	درصد فراوانی
پایین	۱۴۰	۳۶/۵	پایین	۷۳	۱۹
متوسط	۱۸۸	۴۹	متوسط	۲۵۸	۶۵/۹
بالا	۵۶	۱۴/۶	بالا	۵۸	۱۵/۱
جمع	۳۸۴	۱۰۰	جمع	۳۸۴	۱۰۰

۲-۵. تحلیل استنباطی

در ابتدا به منظور برآورد نوع غرور ملی شهروندان اصفهانی میانگین غرور ملی آنها مورد بررسی قرار گرفته است. همان گونه که در جدول (۳) مشاهده می شود، با توجه به سطح معناداری صفر می توان چنین استنباط کرد که میانگین غرور ملی ناسیونالیستی در نمونه مورد مطالعه پایین تر از حد متوسط و غرور ملی میهن دوستانه بالاتر از حد متوسط است و این نتیجه قابل تعمیم به جامعه آماری مورد مطالعه است.

جدول ۳. میانگین غرور ملی ناسیونالیستی و میهن دوستانه پاسخگویان

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	انحراف استاندارد میانگین	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
غرور ملی ناسیونالیستی	۳۸۴	۲/۵۱۹۲	۰/۷۷۵۴۶	۰/۰۳۹۵۷	-۱۲/۱۵	۳۸۳	۰/۰۰۰
غرور ملی میهن دوستانه	۳۸۴	۴/۰۴۸۰	۰/۵۱۰۳۳	۰/۰۲۶۰۴	۴۰/۲۴۱	۳۸۳	۰/۰۰۰

همان گونه که در جدول (۴) مشاهده می شود، رابطه بین دین سنت گرا و غرور ملی ناسیونالیستی معنادار است. همچنین همبستگی بین این دو متغیر (۰/۵۶۸) نشان دهنده این است که دین سنت گرا در غرور ملی ناسیونالیستی شهروندان اصفهانی تأثیر مثبت دارد، یعنی با افزایش گرایش های دینداری سنت گرایانه غرور ملی ناسیونالیستی افزایش پیدا می کند و با کاهش گرایش های دینداری سنت گرایانه، غرور ملی ناسیونالیستی نیز کاهش می یابد. همچنین بین دین سنت گرا و غرور ملی میهن دوستانه همبستگی منفی (۰/۳۰۹-) برقرار است و با افزایش گرایش های دینداری سنت گرایانه، غرور ملی میهن دوستانه کاهش پیدا می کند و در مقابل با کاهش گرایش های دینداری سنت گرایانه غرور ملی میهن دوستانه افزایش می یابد. همچنین بین دین نقادانه و غرور ملی ناسیونالیستی همبستگی منفی (۰/۴۳۰-) وجود دارد که نشان دهنده این است که با افزایش گرایش های دینداری نقادانه، غرور ملی ناسیونالیستی کاهش پیدا می کند و با کاهش گرایش های دینداری نقادانه، غرور ملی ناسیونالیستی افزایش می یابد. همبستگی مثبت (۰/۱۱۸) بین دین نقادانه و غرور ملی میهن دوستانه نشان دهنده این است که با افزایش گرایش های دینداری نقادانه

غرور ملی میهن‌دوستانه نیز افزایش پیدا می‌کند و با کاهش گرایش‌های دینداری نقدانه غرور ملی میهن‌دوستانه نیز کاهش می‌یابد. بنابراین نظریات شاتز و استاب و اینگلهارت دربارهٔ رابطهٔ بین دینداری و غرور ملی با توجه به یافته‌های پژوهش، در جامعهٔ مورد مطالعهٔ این تحقیق تأیید می‌شود.

با توجه به جدول (۴) می‌توان نتیجه گرفت که بین ارزش‌های اجتماع‌گرایانه و غرور ملی ناسیونالیستی در بین شهروندان اصفهانی رابطه‌ای مشاهده نشد. آزمون این قسمت از فرضیه در نمونهٔ مورد بررسی نظریهٔ تاجفل و شاتز و استاب را در مبنی بر وجود رابطهٔ منفی بین ارزش‌های اجتماع‌گرایانه و ناسیونالیسم مورد تأیید قرار نداد؛ اما رابطهٔ بین ارزش‌های اجتماع‌گرایانه و غرور ملی میهن‌دوستانه معنادار است و چون ضریب همبستگی مثبت است، نشان‌دهندهٔ این است که با افزایش ارزش‌های اجتماع‌گرایانه، غرور ملی میهن‌دوستانه نیز افزایش پیدا می‌کند. این قسمت از فرضیهٔ مومندی و شاتز و استاب را مورد تأیید قرار می‌دهد.

در ادامه با الهام از نظریهٔ اسمیت به بررسی رابطهٔ متغیرهای زمینه‌ای با غرور ملی می‌پردازیم. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، رابطهٔ بین سن و غرور ملی ناسیونالیستی معنادار است و چون ضریب همبستگی مثبت است (۰/۲۰۱)، نشان‌دهندهٔ این است که مسن‌ترها غرور ملی ناسیونالیستی بیشتری دارند و جوان‌ترها غرور ملی ناسیونالیستی کمتری از خود نشان می‌دهند. اما با توجه به سطح معناداری به دست آمده، رابطهٔ بین سن و غرور ملی میهن‌دوستانه تأیید نمی‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۴. آزمون همبستگی پیرسون میان برخی متغیرهای مستقل با غرور ملی ناسیونالیستی و میهن‌دوستانه

تعداد پاسخگویان	سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	
۳۸۴	۰/۰۰۰	۰/۵۶۸	دینداری سنت‌گرا و غرور ملی ناسیونالیستی
۳۸۴	۰/۰۰۰	-۰/۳۰۹	دینداری سنت‌گرا و غرور ملی میهن‌دوستانه
۳۸۴	۰/۰۰۰	-۰/۴۳۰	دینداری نقادانه و غرور ملی ناسیونالیستی
۳۸۴	۰/۰۰۰	۰/۱۱۸	دینداری نقادانه و غرور ملی میهن‌دوستانه
۳۸۴	۰/۲۱۰	-۰/۰۲۴	ارزش‌های اجتماع‌گرایانه و غرور ملی ناسیونالیستی
۳۸۴	۰/۰۰۰	۰/۲۳۴	ارزش‌های اجتماع‌گرایانه و غرور ملی میهن‌دوستانه
۳۸۴	۰/۰۰۰	۰/۲۲۰۱	سن و غرور ملی ناسیونالیستی
۳۸۴	۰/۲۶۶	۰/۰۵۸	سن و غرور ملی میهن‌دوستانه

در جدول (۵) مشاهده می‌شود که رابطه بین طبقه اقتصادی و غرور ملی ناسیونالیستی معنادار است. عدد $۰/۲۵۸$ - نشان می‌دهد که طبقات اقتصادی بالاتر غرور ملی ناسیونالیستی پایین‌تری دارند؛ و طبقات اقتصادی پایین‌تر غرور ملی ناسیونالیستی بالاتری از خود نشان می‌دهند. همچنین سطح معناداری $۰/۰۰۴$ نشان‌دهنده این است که رابطه بین طبقه اقتصادی و غرور ملی میهن‌دوستانه با سطح اطمینان $۹۹/۹$ درصد تأیید می‌شود و طبقات اقتصادی بالاتر، غرور ملی میهن‌دوستانه بیشتری دارند و طبقات اقتصادی پایین‌تر غرور ملی میهن‌دوستانه کمتری از خود نشان می‌دهند. بین تحصیلات و غرور ملی ناسیونالیستی همبستگی منفی برقرار است ($۰/۳۱۴$ -) و افرادی که از تحصیلات پایین‌تری برخوردار هستند، غرور ملی ناسیونالیستی بیشتری از خود نشان می‌دهند. همچنین تحصیلات و غرور ملی میهن‌دوستانه رابطه معنادار از خود نشان می‌دهند و چون ضریب همبستگی مثبت است ($۰/۱۸۶$) نشان‌دهنده این است که هر چه افراد تحصیلات بیشتری داشته باشند، غرور ملی میهن‌دوستانه بیشتری از خود نشان می‌دهند. بنابراین نظریه اسمیت درباره رابطه بین طبقه اقتصادی و تحصیلات با غرور ملی با توجه به یافته‌های پژوهش، در جامعه مورد مطالعه این تحقیق تأیید می‌شود.

جدول ۵. آزمون همبستگی اسپیرمن میان طبقه اقتصادی و تحصیلات با غرور ملی ناسیونالیستی و میهن‌دوستانه

تعداد پاسخگویان	سطح معناداری	ضریب همبستگی اسپیرمن	
۳۸۴	۰/۰۰۰	-۰/۲۵۸	طبقه اقتصادی و غرور ملی ناسیونالیستی
۳۸۴	۰/۰۰۴	۰/۱۴۶	طبقه اقتصادی و غرور ملی میهن‌دوستانه
۳۸۴	۰/۰۰۰	-۰/۳۱۴	تحصیلات و غرور ملی ناسیونالیستی
۳۸۴	۰/۰۰۰	۰/۱۸۶	تحصیلات و غرور ملی میهن‌دوستانه

با توجه به جدول (۶) سطح معناداری به دست آمده برای تفاوت میانگین بین دو جنس در غرور ملی ناسیونالیستی و میهن‌دوستانه به ترتیب ۰/۶۴۲ و ۰/۲۸۷ است. بنابراین تفاوت‌های به دست آمده معنادار نیست، به این معنا که جنسیت فرد در شکل دادن به غرور ملی ناسیونالیستی یا میهن‌دوستانه شهروندان اصفهانی تأثیر گذار نیست. این یافته‌ها متناقض با یافته‌های اسمیت است.

جدول ۶. رابطه بین متغیر مستقل جنسیت با متغیرهای وابسته غرور ملی ناسیونالیستی و غرور ملی میهن‌دوستانه

متغیر	جنس	تعداد	میانگین	انحراف معیار	انحراف استاندارد میانگین	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
غرور ملی ناسیونالیستی	مرد	۱۶۶	۲/۴۸۹۵	۰/۸۳۸۶۳	۰/۰۶۵۰۹	-۰/۴۶۶	۳۲۶/۸۹۲	۰/۶۴۲
	زن	۲۱۳	۲/۵۲۷۶	۰/۷۲۵۰۵	۰/۰۴۹۶۸			
غرور ملی میهن‌دوستانه	مرد	۱۶۶	۴/۰۳۱۰	۰/۵۰۱۳۵	۰/۰۳۸۹۱	-۱/۰۶۶	۳۷۷	۰/۲۸۷
	زن	۲۱۳	۴/۰۸۵۳	۰/۴۹۳۶۱	۰/۰۳۳۸۲			

در ادامه، به منظور تبیین تغییرات و واریانس متغیر غرور ملی ناسیونالیستی از طریق متغیرهای مستقل از تحلیل رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. جدول (۷) نشان می‌دهد که ۴۲۳ درصد واریانس غرور ملی ناسیونالیستی توسط متغیرهای مستقل پژوهش تعیین شده است و ۶۰ درصد واریانس غرور ملی ناسیونالیستی تحت تأثیر متغیرهای دیگری است.

جدول ۷. تحلیل رگرسیون چندمتغیره غرور ملی ناسیونالیستی

ضریب همبستگی چندگانه R	ضریب تعیین	ضریب تبیین واقعی
۰/۶۵۰	۰/۴۲۳	۰/۴۱۴

با توجه به جدول (۸) می توان نتیجه گرفت که دین سنت گرا، دینداری نقادانه و طبقه اقتصادی با سطح معناداری ۰/۰۰۰ توانسته اند واریانس غرور ملی ناسیونالیستی را تبیین کنند. ضرایب بتای این متغیرها نشان می دهد که دینداری سنت گرا، در بین متغیرهای وابسته بیشترین اثر را در تبیین غرور ملی ناسیونالیستی و طبقه اقتصادی کمترین اثر را در تبیین غرور ملی ناسیونالیستی داشته اند.

جدول ۸. سطح معناداری متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته غرور ملی ناسیونالیستی

منبع تغییرات	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد		سطح معناداری
	B	خطای استاندارد	بتا	t	
دینداری سنت گرا	۰/۹۵۹	۰/۱۰۱	۰/۴۲۱	۹/۵۲۸	۰/۰۰۰
دینداری نقادانه	-۰/۴۵۹	۰/۰۹۹	-۰/۲۰۳	-۴/۶۴۷	۰/۰۰۰
ارزش های اجتماع گرایانه	۰/۱۰۴	۰/۰۷۱	۰/۰۶۰	۱/۴۵۵	۰/۱۴۷
تحصیلات	-۰/۹۸۶	۰/۳۵۶	-۰/۱۳۳	-۲/۷۶۵	۰/۰۰۶
طبقه اقتصادی	-۰/۱۷۴	۰/۰۶۰	-۰/۱۳۶	-۲/۸۷۴	۰/۰۰۴
سن	۰/۰۰۸	۰/۰۲۱	۰/۰۱۶	۰/۳۸۴	۰/۳۸۴

همچنین به منظور تعیین تغییرات و واریانس متغیر غرور ملی میهن دوستانه از طریق متغیرهای مستقل از تحلیل رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. با توجه به جدول (۹) تنها ۱۸ درصد واریانس غرور ملی میهن دوستانه توسط متغیرهای مستقل پژوهش تعیین شده است و ۸۲ درصد واریانس غرور ملی میهن دوستانه توسط این متغیرهای مستقل تعیین نشده است و تحت تأثیر متغیرهای دیگری است.

جدول ۹. تحلیل رگرسیون چندمتغیره غرور ملی میهن‌دوستانه

ضریب همبستگی چندگانه R	ضریب تعیین	ضریب تعیین واقعی
۰/۴۲۶	۰/۱۸۶	۰/۱۷۳

با توجه به جدول (۱۰) می‌توان نتیجه گرفت که دینداری سنت‌گرا، ارزش‌های اجتماع‌گرایانه، سن و طبقه اقتصادی با سطح معناداری پایین‌تر از ۰/۰۵ توانسته‌اند واریانس غرور ملی میهن‌دوستانه را تعیین کنند. با توجه به ضرایب بتا از بین این متغیرهای مستقل به ترتیب دینداری سنت‌گرا بیشترین اثر و سن کمترین اثر را در تبیین غرور ملی میهن‌دوستانه داشته‌اند.

جدول ۱۰. سطح معناداری متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته غرور ملی میهن‌دوستانه

منبع تغییرات	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد		سطح معناداری
	B	خطای استاندارد	بتا	t	
دینداری سنت‌گرا	-۰/۳۹۷	۰/۰۶۹	-۰/۳۰۳	-۵/۷۷۵	۰/۰۰۰
دینداری نقادانه	۰/۰۴۹	۰/۰۳۹	۰/۰۶۷	۱/۲۷۷	۰/۲۰۲
ارزش‌های اجتماع‌گرایانه	۰/۲۰۵	۰/۰۴۳	۰/۲۳۴	۴/۸۰۶	۰/۰۰۰
تحصیلات	۰/۰۰۴	۰/۰۰۲	۰/۱۰۵	۲/۰۶۱	۰/۰۴۰
طبقه اقتصادی	۰/۰۷۴	۰/۰۳۴	۰/۱۱۱	۲/۲۰۴	۰/۰۲۸
سن	۰/۰۳۱	۰/۰۱۴	۰/۱۱۰	۲/۱۶۳	۰/۰۳۱

۶. نتیجه‌گیری

با توجه به حساسیت مبحث غرور ملی و اهمیتی که این مفهوم در نشان دادن دل‌بستگی و مهم‌تر از آن نحوه دل‌بستگی افراد یک جامعه به کشورشان دارند، تمایز گذاشتن بین دو جهت‌گیری ناسیونالیستی و میهن‌دوستانه در زمینه بررسی غرور ملی ضروری به نظر می‌رسد. همان‌گونه که ملاحظه شد، این دو بعد دو سر یک طیف به نام غرور ملی هستند، اما با جهت‌گیری‌ها و پیامدهای متفاوت. در تأیید این ادعا می‌توان به فرضیات پژوهش اشاره کرد؛ برای مثال با توجه به یافته‌های تحقیق، ملاحظه شد که گرایش‌های دینداری سنت‌گرا و سن رابطه مثبت با غرور ملی ناسیونالیستی دارند، یعنی با افزایش این متغیرهای مستقل غرور ملی ناسیونالیستی نیز افزایش می‌یابد. در مقابل همین متغیرهای مستقل رابطه

منفی با غرور ملی میهن‌دوستانه از خود نشان دادند، یعنی با افزایش این متغیرهای مستقل غرور ملی میهن‌دوستانه کاهش می‌یابد. همچنین گرایش‌های دینی نقادانه، طبقه اقتصادی و میزان تحصیلات رابطه منفی با غرور ملی ناسیونالیستی دارند، یعنی با افزایش این متغیرهای مستقل، غرور ملی ناسیونالیستی کاهش می‌یابد. در مقابل همین متغیرهای مستقل رابطه مثبت با غرور ملی میهن‌دوستانه از خود نشان داده‌اند، یعنی با افزایش این متغیرهای مستقل غرور ملی میهن‌دوستانه نیز افزایش می‌یابد.

نتایج تحقیق حاکی از این بود که غرور ملی ناسیونالیستی در بین شهروندان اصفهانی بسیار پایین است و در مقابل غرور ملی میهن‌دوستانه بسیار بالا است. این نتیجه نشان‌دهنده غرور ملی مثبت شهروندان اصفهانی است؛ زیرا با توجه به چهارچوب نظری تحقیق، افراد با غرور ملی میهن‌دوستانه، دارای آستانه تحمل بالا در درک عقاید مختلف و پذیرش گروه‌های متفاوت هستند و همچنین دیدی انتقادی به وضعیت موجود نیز از خود نشان می‌دهند. داشتن دید انتقادی به افراد ذهنی چالش برانگیز می‌دهد که ضمن ارزیابی امور مختلف و تمایل برای مشارکت، کشور خود را دوست دارند و خواستار رفع موانع و مشکلات موجود هستند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، تهران: نشر مروارید، ۱۳۸۴.
۲. صفوی همای، منصوره، تأثیر جهانی شدن بر بنیادگرایی اسلامی در خاورمیانه پس از جنگ سرد، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی گرایش علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۸.
۳. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، ۱۳۸۴.
۴. مک گراون، دیوید، «ظهور و سقوط ناسیونالیسم»، ترجمه محی‌الدین شریف‌زاده، فصلنامه زریبار، شماره ۵۷، ۱۳۸۴.

ب) منابع لاتین

1. Blank, Thomas, Peter Schmit, "National Identity in a United Germany: Nationalism or Patriotism? An Empirical test with Representative Data", *Political Psychology*, Vol 24, No 2, pp 283-312, 2003.
2. Brubaker, Rogers, "In the Name of Nation: Reflections on Nationalism and Patriotism", *Citizenship studies*, Vol 8, No 2, pp: 115-127, 2004.
3. Chang, Kiseon, Hyun Choe, "South Korean National Pride: Determinants, Changes, and Suggestions", *Asian perspective*, Vol 32, No 1, pp 99-127, 2008.
4. De Figueiredo, Rui J P, Zachary Elkins, "Are patriots Bigots? An Inquiry into the vices of In-group Pride", *University of California, Berkeley*, 2002.
5. Druckman, Daniel, "Nationalism, Patriotism and Group Loyalty: A Social Psychological Perspective", *Mershon International studies Review*, Vol 38, No 1, 1994, pp: 43-68.
6. Huddy, Leonie, Nadia khatib, "American patriotism, National Identity and Political Involvement", *American journal of political science*, Vol 51, No 1, pp: 63-77, 2007.
7. Moaddel, Mansoor et al, "Foreign Occupation And National Pride: The case of Iraq", Vol 72, No 4, pp: 677-705, 2008.
8. Mummendy, Amelie et al, (2001), "Nationalism and Patriotism: National Identification and Out-group Rejection", *British journal of social psychology*, 40, pp: 159-172, 2008.
9. Schatz, Robert T, "On Being a Good American: Blind versus Constructive Patriotism", *University of Massachusetts*, 1994.
10. Schatz, Robert T., Ervin Staub, "On the Varieties of National Attachment: Blind Versus Constructive Patriotism", *Political psychology*, Vol 20, No 1, 1999.
11. Shaw, Annick, Stephen Joseph, "Principal Components Analysis of Matby and Days (1998) amended quest religious orientation scale: a replication of the three component structure", *Personality and Individual Differences*, No 37, pp 1425-1430, 2004.
12. Smith, Tom W, "National Pride in Specific Domains", *NORC University of Chicago, GSS*

Cross-National, Report No 27, 2006.

13. Smith, Tom, W. Lars Jarkko, National Pride: A Cross-national Analysis, National opinion research center, University of Chicago, 1998.
14. Smith, Tom, W. Seokho Kim, "National Pride in Cross-national and Temporal Perspective", NORC university of Chicago, International journal of public opinion, Research-18, pp127-136, 2006.
15. Sproull, lee, Caryn A Conley, Jae Yan Moon, "Prosocial Behavior on the Net", New Yourk university, stern school of business, 2002.

